



۰۴ نوامبر، ۲۰۲۳

داکتر عبدالرحمن زمانی

## انتقال صدارت رژیم خاندانی نادرشاه از هاشم خان به شاه محمود خان (۲)

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

(پیوسته به گذشته)

### انتقال صدارت تصمیم و مصلحت شورای خاندانی به حکم سیاست و جبر حوادث:

هنوز جنگ جهانی دوم و جنگ های داخلی در سمت های جنوبی و مشرقی کشور ادامه داشت که رژیم خاندانی درک نمود دیگر نمیتواند به شکل سابق به فرمانروایی اش ادامه دهد. لذا تصمیم گرفت تا برای بقای حاکمیت خود طرحهای جدیدی بریزد. شادروان غبار درین رابطه مینویسد که «از آنجمله طرحی بود که اگر دولت انگلیس به تخلیه هندوستان مجبور شود، و خاندان حکمران در خلی سیاست خارجی و داخلی یکه و تنها بماند، چگونه بقای خودش را تأمین کند، خصوصاً که از عکس العمل مردم ناراض افغانستان در مقابل اعمال هفده ساله خود در هراس بود. این طرح جدید بر مبنای تعدیل سیاست یکجانبه خارجی و قبول سیاست سازش و نرمش داخلی با انکشاف نیم بند امور اجتماعی و اقتصادی مملکت قرار داشت. اما خانواده حکمران و مشاورین خارجی او برای تبدیل استراتژی سابق، تاکتیک تدریجی را پیشبینی کرده بودند تا از شتابزدگی دولت، مردم به مجبوری سلطنت در این تحول پی نبرند و اصلاحات تازه را محض عطایای اختیاری و ترحم خانواده سلطنت بدانند.

پس برای تأمین این منظور پیش از آنکه محمد هاشم خان را از صحنه برانند، برای پر کردن خلای که از غیبت او در اداره و سیاست داخلی کشور بشکل ناگهانی پیش آمدنی بود، ظاهر شاه را از انزوای سیاسی و اداری بر آورده، بحیث مرکز قدرت دولت با تظاهرات و تبلیغات بسیاری در صدر حکومت نشاندهند، و حتی بصورت یک قوه فعال مایشاء [ خود مختار و لگام گسیخته] ب مردم نشان دادند تا جائیکه استعفای محمد هاشم خان از صدارت افغانستان (سال ۱۹۴۶) فقط بقوت و اراده شخصی شاه و علرغم آرزوی محمد هاشم خان ب مردم وانمودند. همچنین تعیین شاه محمود خان را به صدارت، و روش جدید نرم و گرم او را در اداره حکومت، ناشی از اراده

شخص شاه معرفی کردند. البته شاه محمود خان نیز ماسکی از "عطوفت و محبت" نسبت به مردم افغانستان بر چهره کشیده و دیگر آن سلاح قدیم، کشتار های دسته جمعی را فراموش کرده بود!». (میر غلام محمد- جلد دوم افغانستان در مسیر تاریخ، تغیر اوضاع و حکومت برزخ، صفحات ۲۱۰-۲۱۱)

به گفته ابراهیم عطایی «سردار محمد هاشم خان ۱۸ سال با جبین ترش و شلاق حکومت نموده بود، بعد از جنگ، دموکراسی شعار روز گردید و محمد هاشم خان بحیث یک شخصیت هوشیار میدانست که دیگر بقای سیاسی او خارج از ضرورت است، موصوف نمیتوانست که خود را با شعار روز عیار بسازد.

موضوع در شورای خانواده شاهی مطرح شد و در آنجا محمد هاشم خان خود اعتراف نمود [ و قبول کرد] که دیگر زندگی اداری و سیاسی او پایان رسیده است و کرکتر برادر کوچک خود سردار شاه محمود خان را با عصر جدید مناسب یافتند و این نظر را همه تائید کردند.» (ابراهیم عطایی، نگاهی مختصر به تاریخ معاصر افغانستان، ترجمه جمیل الرحمن کامگار، ص ۳۲۱).

#### **آوازه های سرچوک ماه ها قبل از استعفای صدراعظم هاشم خان :**

در مکاتیب محرمانه سفارت انگلستان که ماه ها قبل از استعفای هاشم خان از کابل فرستاده شده است به شایعات استعفای وی اشاره شده است. این مکاتیب درستی گفته های شادروان غبار را تائید میکند. در یکی از این اسناد آمده است که « گزارش های مربوط به استعفای قریب الوقوع صدراعظم به دلایل بیماری همچنان دریافت می شود، اما هیچ اطلاعیه یا بیانیه رسمی ارائه نشده است. اعتقاد بر این است که صدراعظم مردی خسته و بیمار است که می خواهد تعطیلات طولانی را بگذراند. گفته می شود که او همچنین احساس می کند که اعضای جوانتر خانواده سلطنتی با سیاست محتاطانه آهسته رفتن او موافق نیستند و برخی از وزرای کابینه از مداخله او در کار و اداره عادی خود ناراحت هستند. گزارش ها و شایعات مربوط به استعفای صدراعظم موضوع حدس و گمان محافل دیپلماتیک و افکار عمومی کابل بوده است.» در صفحه دوم همین مکتوب تحت عنوان شایعات تغیرات در کابینه و تعیینات دیپلماتیک به مکتوب قبلی شماره (۵۰) سال ۱۹۴۵ اشاره شده است که « افراد مختلف در تماس نزدیک با خانواده سلطنتی بر این باورند که والا حضرت محمد هاشم خان قرار است طی چند هفته آینده استعفای خود را از صدرات عظمی به دلیل بیماریش اعلام کند. اگرچه برخی از آنها گواهی داده اند که ممکن است این اعلان به دلیل انکشافات در پاریس یا ترکیه یا به دلیل ضرورت رسیدگی به بحران مواد غذایی در کابل به تعویق بیفتد. در صورت اعلام استعفای صدراعظم ، تغیرات زیر در کابینه

ها و انتصابات دیپلماتیک پیش بینی می شود...». (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره یک ۵ جنوری سال ۱۹۴۶ آتشفه نظامی سفارت انگلستان در کابل).

درینجا قابل یادآوری میدانم که پخش شایعات (آوازه های سر چوک) توسط رژیم خاندانی برای دانستن محبوبیت اقدامات بعدی یکی از تاکتیک های شناخته شده بود که در اسناد آرشیف انگلستان نمونه های زیادی از آن ثبت شده است. مثلا مقامات سفارت انگلستان در کابل در یک مکتوب محرمانه به آن اشاره نموده و تاکید میکند که « باید فراموش نکرد که گردش این نوع شایعات بصورت عمدی برای دانستن همدردی از جناح های مختلف در بار پخش شده و از نتایج آن به نفع خانواده بصورت کلی استفاده شده است ». (آرشیف انگلستان، راپور شماره ۱۹ محرمانه سفارت انگلستان در کابل، ۱۵ می ۱۹۴۳).

#### **هاشم خان چهار ماه قبل از استعفایش به سفیر انگلستان در کابل اطلاع داده بود:**

به رویت اسناد موجود در آرشیف انگلستان، هاشم خان صدراعظم حد اقل در اوسط ماه جنوری موضوع استعفایش را با سفیر انگلستان در کابل طرح کرده بود. « صدراعظم [هاشم خان] به تاریخ (۱۴) جنوری به سفیر اطلاع داد که استعفای خود را به دلیل [یا بهانه] بیماری اش به پادشاه ظاهر شاه تقدیم کرده است و قصد دارد درخزان امسال از لندن بازدید نموده و نزد برادرزاده اش محمد نعیم خان بماند. وی [سردار نعیم خان] تا آن زمان بحیث سفیر افغانستان انتصاب و کارش را در لندن آغاز خواهد کرد. اگرچه استعفای قریب الوقوع وی موضوع بحث و گفتگوی محافل دیپلماتیک و مردم کابل است تا اکنون هیچ اعلامیه رسمی در مورد استعفای صدراعظم از طرف دولت افغانستان نشر نشده است. انتظار می رود که وزیر حربیه، شاه محمود خان تا زمان بازگشت شاه ولی خان از پاریس، از امور صدارت سرپرستی کند. اما این به هیچ عنوان معنی قبولی مقام صدارت توسط شاه ولی خان را ندارد، چون این کار مستلزم اقامت دائمی او در کابل خواهد بود [و خانمش، خواهر غازی امان الله خان، با آن موافقت نداشت]. ». (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب شماره (۳) مؤرخ ۱۹ جنوری سال ۱۹۴۶ آتشفه نظامی سفارت انگلستان در کابل).

#### **ترتیبات انتقال صدارت به شاه محمود خان و نارضایتی سردار داؤد خان:**

قرار گزارشات بعدی موضوع انتقال صدارت در ماه های فبروری و مارچ نیز تحت بحث جدی قرار داشته است. در انتقال صدارت از هاشم خان نه تنها مریضی یک بهانه و علت اصلی نبوده بلکه طوریکه در سند فوق الذکر دیده شد، نخست شاه ولی خان بحیث صدراعظم آینده حکومت خاندانی در نظر بوده است. در یک سند دیگر آرشیف انگلستان نا رضایتی سردار داؤد خان

ازینکه در انتقال صدارت به شاه محمود خان وزارت حربیه به وی نه، بلکه به اسدالله خان سراج (خواهرزاده نادرشاه) داده خواهد شد، به ملاحظه میرسد.

«انتظار می رود شاه محمود خان ظرف چند روز آینده از هند به افغانستان بازگردد. اودر حال حاضر در کشمیر است. انتظار میرود جنرال اسدالله خان سرپرست [فعلی] وزارت حربیه بعد از آنکه شاه محمود خان صدراعظم شود، نیز به سرپرستی وزارت حربیه ادامه دهد. طبق شایعات جنرال محمد داؤد خان از اینکه به مقام وزارت حربیه انتصاب نشده است، ناامید شده است.

جنرال داؤد خان فعلا در سفر ولایت مشرقی و مشغول توزیع مدال ها و جوایز اعطا شده توسط شاه برای آنهایی که در جریان نا آرامی های سال ۱۹۴۵ دره کمر خدمات نموده اند، میباشد. او از [اقوام] صافی ها، مهمند ها، شینواری ها و خوگیانی ها بازدید کرده است، و علاوه بر توزیع جوایز اعطا شده به افسران نظامی شخصاً به رهبران قبایل و لشکرهای که در نا آرامی های صافی ها و مهمند ها در سال گذشته باحکومت کمک کرده اند، جوایز و تحافی داده است.

هیچ گزارشی از تغییر در وضعیت قومی دره کمر در سمت مشرقی داده نشده است، گرچه مقامات افغان برای سازش زودهنگام با صافی ها اظهار خوشبینی نموده اند. آنها فکر میکنند که شاه محمود خان هنگامی که در آخر ماه اپریل در بازگشت به کابل از جلال آباد می گذرد، خواهد توانست صافی های سرکش را وادار کند حکومت تسلیم شوند.

در ولایت جنوبی زمرک خان خدران و سلطان احمد ظاهراً هنوز در آرزوی جلب حمایت کافی افراد قبایل برای فعالیت های شان علیه حکومت افغانستان در بهار امسال هستند.

حکومت افغانستان برای تسلیم شدن زمرک خان به دولت تلاش زیاد نموده است و داستان های عجیب و غریب زیادی در کابل در مورد شرایط ارائه شده یا نشده از سوی رهبران مذهبی مختلف مانند فقیر ایپی و جیان ملا به نمایندگی از حکومت افغانستان، در گردش میباشد. « (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب محرمانه شماره (۱۷) مؤرخ ۲۷ ماه اپریل سال ۱۹۴۶ آتشفه نظامی سفارت انگلستان در کابل).

(ادامه دارد)